

س

گوداری (گوداری) ۱۳۶، ۱۴۷، ۲۲۲
 گوکلان ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۵۲، ۱۵۳، ۳۴۹
 ۴۱۲ (نیز به فهرست جغرافیائی
 مراجعه شود)

ل

لزگی ۲۸۹، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹
 ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۳، ۳۳۲، ۴۲۱
 ۴۲۲

م

مالقانی ۳۰۶، ۳۲۱، ۳۴۶، ۳۵۵، ۴۰۲، ۴۱۰
 ۴۳۹، ۴۶۳، ۵۰۶، ۵۸۰، ۵۹۱، ۵۹۹
 ۶۰۲ (گاهی به اشتباه مالکان چاپ شده)
 صفحات ۳۰۶، ۳۲۱، ۳۳۹ اصلاح شود

محمدآلق ۵۰۸

مردেশور ۳۶۸

مقصودلوی ۱۱۴، ۱۳۷، ۱۴۴، ۱۹۹، ۴۰۶
 ۷۰۰

ملك ۳۴۷، ۶۰۸، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۴۵

منشویک ۶۵۰، ۶۷۵، ۶۹۲، ۶۹۷، ۷۰۲

۷۰۳، ۷۱۱، ۷۱۴، ۷۱۶، ۸۱۸، ۸۲۶

۸۵۴

ن

نجلی ۳۰۶ (ظاهراً انجلی)

نورعلی ۷۸، ۸۱، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۳، ۱۸۶
 ۲۷۰، ۳۷۶، ۶۶۰، ۷۹۵، ۸۷۵

نهلستی = نیهیلیستی ۲۴۶

ه

هروی ۴۵۰

هزاره ۴۸، ۲۸

ی

یارعلی ۴۲، ۷۸، ۱۶۶، ۱۷۲، ۱۸۳، ۲۷۰
 ۷۹۵، ۶۶۰، ۵۹۲
 یاطابی ۳۱۲
 یانپی ۶۲۴
 یقه ۶۷۴

یسوت ۳۳، ۷۵، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۱۴، ۱۱۵
 ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱
 ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۹
 ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۷، ۱۹۰
 ۱۹۲، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۱۴
 ۲۱۵، ۲۱۸، ۲۲۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۹
 ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵
 ۲۸۴، ۲۸۶، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹
 ۳۰۱، ۳۰، ۳۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۹
 ۳۱۰، ۳۱۳، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۶، ۳۳۳
 ۳۳۵، ۳۴۳، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۳، ۳۵۴
 ۳۵۸، ۳۶۶، ۳۸۲، ۳۸۷، ۳۹۲، ۳۹۵
 ۳۹۶، ۳۹۹، ۴۰۲، ۴۰۴، ۴۱۴، ۴۱۹
 ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۷، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶
 ۴۵۰، ۴۷۲، ۴۸۰، ۴۸۴، ۴۹۲، ۴۹۶
 ۵۰۲، ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۱۷، ۵۳۹، ۵۴۴
 ۵۴۸، ۵۵۲، ۵۵۶، ۵۶۲، ۵۶۶، ۵۸۱
 ۵۸۲، ۵۹۱، ۵۹۶، ۶۰۴، ۶۰۸، ۶۱۰
 ۶۱۴، ۶۲۲، ۶۲۴، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۸
 ۶۴۷، ۶۴۹، ۶۵۱، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۶۹
 ۶۷۶، ۶۸۱، ۶۸۷، ۶۹۴، ۷۰۱، ۷۱۵
 ۷۳۱، ۷۳۳، ۷۴۱، ۷۴۷، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۷۰
 ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۹، ۷۸۵، ۷۹۰، ۷۹۷
 ۸۰۴، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۹، ۸۲۲، ۸۲۴
 ۸۲۵، ۸۳۵، ۸۳۷، ۸۴۴، ۸۵۷، ۸۶۰
 ۸۶۱، ۸۶۶، ۸۶۸، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۸۱
 ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۹۷، ۹۰۲، ۹۰۴، ۹۰۶
 ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۳، ۹۲۱

فهرست مدنی و لغوی

(بطور نمونه شماره صفحات آورده شده)

(لغات گیلکی، روسی، فارسی کمیاب، ترکمنی، ترکی و غیره...)
در مورد بعضی کلمات و لغات ترکی و روسی، گیلکی یا فارسی کمیاب که معانی و مفهوم آنها یقین بود و آگاهی وجود داشت مختصر توضیحی داده شده که در کنار هر اسم ذکر شده است.

چون پژوهش و تحقیق مفصلی درباره کلمات آورده شده در این کتاب در دست تهیه است که گردآوری شده‌ی کامل آنها پس از تنظیم در چاپ بعدی منتشر خواهد شده فعلاً به همین مختصر اکتفا شد. توضیحات فعلی اغلب از محمدرسول دریاگست است.

الف

ت

ادیال ۵۵۷	آبدنگ ۲۳۵، ۷۹
با توجه به ذکر مطلب منظور ظاهراً (هریال) harial یعنی چلواراست)	(آسیاب آبی - برای جدا کردن برنج از پوسته و کوبیدن شلتوک که نوع آبی آن را آبدنگ و نوع دیگری که به وسیله پا به حرکت در می‌آید پادنگ padang می‌گویند و بطور معمول و فراوان در دهات گیلان دیده می‌شود.
ارسی دوز (کفاش) ۵۴۸	آرد (قیمت) ۶۵۵، ۵۶۴، ۵۵۶، ۵۴۵، ۵۳۹
اسب (قیمت) ۵۶۲، ۴۷۶	آغشغه (= آغشقه) ۶۵۱، ۴۲۶
اگنط (کلمه‌ی روسی که نماینده و رایزن معنی دهد)	به کسر غ - پنجره یا درهای بزرگ دارای شیشه که از ساختمان به سمت کوچه، یا روبه حیاط باز می‌شود و در گیلان آبوشکا aboshka گفته می‌شود و در تهران قدیم هم (اروسی)
۵۳، ۱۱۶، ۱۵۲، ۱۶۵، ۱۹۹، ۲۵۳	
۲۱۴، ۲۷۹، ۲۸۵، ۲۹۵، ۳۱۵، ۳۴۸	
۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۵، ۳۷۵، ۴۰۷، ۴۱۵	
۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۵، ۴۲۳، ۴۲۷	
۴۳۵، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۸	
۴۶۶، ۴۷۹، ۴۸۵، ۴۸۸، ۴۹۵، ۴۹۹	
۵۱۵، ۵۱۵، ۵۴۵، ۵۴۷، ۶۲۷، ۶۳۴	

۶۲۹، ۶۴۵، ۶۸۹، ۷۱۱، ۷۲۲، ۷۲۵
 ۷۷۴، ۷۵۸
 بریه (?) ۶۵۷
 بسخو (تلفظ ترکمنی کلمه متعارف بزخو) ۳۶
 ۳۹، ۴۴، ۴۸، ۵۵، ۵۲، ۵۷، ۵۸، ۵۹
 ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۷۷، ۷۹، ۱۰۳، ۱۲۸
 ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۹۹
 ۲۰۱، ۲۱۲، ۲۱۴، ۲۲۲، ۲۳۳، ۲۳۶
 ۲۴۳، ۲۵۰، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸
 ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۷، ۲۹۵، ۳۵۵، ۴۲۸
 ۵۰۸، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۹
 ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۹، ۵۸۷، ۵۹۲
 ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۹
 ۶۱۱، ۶۱۳، ۶۱۸، ۶۲۱، ۶۲۴، ۶۲۷
 ۶۲۸، ۶۳۳، ۶۳۶، ۶۳۸، ۶۴۱، ۷۰۳
 ۷۰۴، ۷۱۵، ۷۱۷، ۷۵۹، ۷۶۷، ۷۷۱
 ۷۸۶، ۷۹۱، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹
 ۸۱۴، ۸۱۸، ۸۳۸، ۸۴۲، ۸۵۴، ۸۵۶
 ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۶۵، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰
 ۸۷۴، ۸۷۸، ۸۹۷

بلوچ ۷۱، ۷۶، ۷۷۵

بلوک (گله‌ی چهارپایان) ۷۲، ۱۰۹، ۱۳۵
 ۱۳۱، ۱۴۶، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۵
 ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۵، ۲۱۱، ۲۱۸
 ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۸۷، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۸۴
 ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۲۴
 ۶۲۸، ۶۳۴، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۴۴، ۶۶۵
 ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۲، ۶۷۹، ۷۰۳، ۷۰۹
 ۷۳۴، ۷۴۲، ۷۵۲، ۷۶۷، ۷۷۴، ۷۷۸
 ۷۷۹، ۷۸۸، ۷۹۵، ۷۹۸، ۸۰۲، ۸۰۳
 ۸۵۵، ۸۵۷، ۸۲۳، ۸۳۲، ۸۵۵، ۸۵۷
 ۸۷۶، ۸۸۵، ۸۸۲، ۹۱۶

بنيچه ۶۴۷، ۷۲۸

بوربور (?) ۴۵۴

پ

پارچه (برای ده) ۳۹۵

پارکابی ۶۱۲، ۶۴۶، ۷۲۸

پاکار (?) ۳۲۳

پراخوت (روسی، کشتی بزرگ مخصوص حمل بار و مسافر) ۳۴، ۴۱، ۶۵، ۱۱۲، ۱۲۶

۶۳۹، ۸۱۸

الاغ (نرخ باربری) ۴۷۶

الجه (ترکی) «مال از غارت به دست آمده»

۱۴۵، ۲۸۵، ۵۹۷

انتیقه (= عتیقه) ۳۷۶

اوبه (ترکمنی) ۲۷، ۵۷، ۱۰۵، ۱۱۱، ۱۵۲

۱۵۵، ۱۶۲، ۲۳۶، ۲۶۸، ۳۴۵، ۳۴۱

۴۶۶، ۵۲۵، ۵۲۱، ۵۶۹، ۶۹۶، ۶۹۸

۷۴۲، ۷۴۷، ۷۴۹، ۷۶۳، ۷۷۵، ۷۹۱

۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۹، ۸۴۵، ۸۴۳، ۸۵۱

۸۵۹، ۸۶۴، ۸۸۶، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲

۹۱۸، ۹۲۲

ایلجاری (مزدور، کارگر، جمع شدن رعایا

برای انجام کاری) ۲۹، ۸۳، ۸۴، ۱۵۲

۱۵۴، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۲۱، ۲۴۸، ۲۴۹

۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۸، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷

۲۹۹، ۳۶۲، ۴۰۴، ۴۵۱، ۵۰۴، ۵۲۸

۵۷۸، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۴۴، ۷۰۵

۷۱۹، ۷۲۵، ۷۴۸، ۷۵۵، ۷۵۱، ۷۷۷

ایلخی (مادیان ایلخی) ۲۶۴، ۲۹۹

ب

بارکاس (روسی) ۳۵۴، ۸۴۹

کشتی کوچک (بزرگتر از قایق، کوچکتر

از کشتی) شبیه ناوچه، غالباً در صید

ماهی از آن استفاده می‌شود و اغلب

موتوری است

باستیل ۵۷۸

باشماقچی ۱۱۱

باوندی (گوسفند باوندی) ۱۱۲

بدنه (= بدنه‌ی شهر) ۷۸، ۱۱۸، ۱۱۹، ۲۷۶

۳۲۸، ۴۸۷، ۵۴۷، ۵۵۵، ۵۸۳، ۶۶۱

براونیک (نوعی تفنگ) ۴۹۲، ۵۶۶، ۵۶۹

۵۸۲، ۶۵۳، ۶۵۶، ۶۵۸، ۶۶۲، ۷۱۶

۸۶۸

برزنکه (نوعی تفنگ) ۷۹، ۱۲۸، ۲۱۴

۲۹۶، ۳۵۸، ۳۱۴، ۳۴۳، ۴۵۴، ۴۶۵

۵۵۷، ۵۱۳، ۵۳۲، ۵۹۸

برنج (قیمت) ۳۵۸، ۴۵۲، ۴۴۱، ۴۵۶

۴۶۲، ۴۶۴، ۴۹۱، ۴۹۴، ۵۳۹، ۵۴۵

۵۵۵، ۵۵۳، ۵۵۶، ۵۶۴، ۵۹۶، ۶۰۵

ت

ناچه ۳۳، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۶۵، ۵۴۱ بسته،
کیسه، گونی، عدل که بین قدیمی‌های
گیلان و مازندران هنوز مستعمل است.
(در یزد هم استعمال دارد.)
تفنگ بلندقد (قیمت) ۷۵۶
تفنگ کوتاه قد (قیمت) ۷۵۶
تودردار (?) ۴۴۳
تیاطر (تئاتر) ۸۱۲

ج

جکت = چکت
جلوخان ۳۸۹، ۳۹۱
جو (قیمت) ۳۶۶، ۴۱۵، ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۵۵،
۵۵۱، ۵۵۶، ۶۵۵، ۶۵۶، ۷۵۸، ۷۷۹
۸۱۶

چ

چاتمه ۵۴، ۱۰۵، ۱۱۷، ۱۸۵، ۵۷۷ (چیدن)
تفنگ به شکل دایره کنار هم
چادرپوش ۱۱۸، ۳۵۴
چارقد ۳۵۱
چای (قیمت) ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۲۲، ۴۴۵، ۷۵۸
چراغ‌شیشه‌دار ۳۷۶
جکت (= جکت، جکیت) ۴۹، ۵۵، ۷۴، ۸۷،
۱۰۳، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۲۷،
۱۳۱، ۱۳۲، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۹۶، ۲۱۱،
۲۱۴، ۲۳۱، ۲۳۱، ۲۳۶، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۷،
۲۸۲، ۲۸۴، ۲۹۷، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۰۹،
۳۱۵، ۳۱۱، ۳۱۵، ۳۱۷، ۳۲۶، ۳۲۹،
۳۳۱، ۳۴۱، ۳۴۳، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۶،
۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۶۹،
۳۷۴، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۶، ۳۹۴، ۴۰۵،
۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۷، ۴۰۹، ۴۱۱، ۴۱۲،
۴۱۳، ۴۱۴، ۴۲۸ و جزاینها

چلیک (روسی) ۱۷۸، ۴۴۵، ۵۵۹، ۶۱۵
چنار ۴۵۷ (ظاهراً کوزه‌ای که داخل آن
باروط ریخته می‌شود و حالت انفجاری
پیدا می‌کند.)

۱۴۵، ۱۹۳، ۳۰۴، ۳۴۵، ۳۶۲، ۳۹۴،
۴۰۹، ۴۱۹، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۴۹،
۴۷۳، ۴۸۷، ۵۰۱، ۵۰۵، ۵۱۴، ۵۳۳،
۵۴۷، ۵۵۲، ۵۷۳، ۵۸۵، ۵۹۹، ۶۵۶،
۶۱۵، ۶۱۶، ۶۲۷، ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۶۴،
۶۶۷، ۶۹۱، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۸، ۷۱۹،
۷۲۵، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۴۴، ۷۴۶، ۷۵۶،
۷۵۷، ۷۶۵، ۷۷۴، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۸۲،
۷۸۳، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۹۸، ۸۱۵، ۸۱۷،
۸۱۸، ۸۲۱، ۸۷۹، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۸،
۸۸۹، ۹۱۷، ۹۱۹

پراکان (= پراکان راه) (?) ۱۵۵، ۶۷۸

پرتست ۵۹۹
پرگاله (پاره‌ای از چیزی و مقداری از زمین
منظور است) ۹۷، ۹۹، ۱۵۵، ۱۲۴،
۱۴۱، ۲۱۵، ۲۸۴، ۳۴۸، ۳۹۱، ۴۹۶،
۹۲۵، ۶۱۵

پشم (قیمت) ۴۱۵، ۷۵۸
پنبه (قیمت) ۴۱۵، ۴۳۴، ۴۵۳، ۴۵۶، ۷۵۸،
۸۱۵، ۸۴۵، ۸۵۱، ۸۸۷
پنبه‌ی لوکه ۴۴۵، ۴۹۵ (قیمت) (لوکه یعنی
دانه‌ی پنبه، بنابراین پنبه‌ای که هنوز
از دانه جدا نشده است)
پنج تیره (نوعی تفنگ) ۴۵۴ (قیمت)
پودراتچی (= پودراده‌ی) (روسی) ۰۷۵،
۴۵۱، ۴۵۲

پودراده‌ی = پودراتچی
پورت (= پورد purd ۳۲۹ (روسی))
پلهای کوچک آهنی یا چوبی یا خشتی و آجری
که معمولاً روی جوی‌ها یا خندقها در
قصبات و شهرهای کوچک ساخته می‌شود
و در شمال ایران فراوان دیده می‌شود
پوط (واحد وزن روسی معادل ۱۶ر۵
کیلوگرم که بطور متداول و گسترده
در گیلان مستعمل است، بویژه در مورد
توزین نفت) ۳۲۹، ۳۵۶، ۴۵۲، ۴۵۳،
۴۵۶، ۴۶۳، ۴۹۳، ۵۳۹، ۵۵۵، ۵۶۶،
۵۹۴، ۶۲۵، ۶۴۵، ۶۸۹، ۶۹۱، ۷۱۶،
۷۱۸، ۷۵۸، ۷۷۶، ۷۷۹، ۷۸۱، ۸۱۵،
۸۵۰ - ۸۵۲، ۸۵۲
پیلومتر (نوعی توپ) ۵۹۷

سنگ زن ۴۳۴ (بطوری که از اهالی قدیمی گیلان استفسار شده در ایام قدیم، در دسته‌های ماه مجرم عده‌ای به صورت «سنگ زن» عزاداری می‌کردند. ظاهراً از زمان صفویه مرسوم شده. در حال حاضر در شهر لاهیجان «دسته‌ی کارپ - کرب - کرب» دیده شده که با دوتکه چوب کوچک که دور آن لاستیک پیچیده و به دست وصل می‌شود، با زدن آن بهم حالت و صدای یک نواختی ایجاد می‌کند، که همین چوب در زمانهای پیشین ابتدا سنگ بوده است.)

ش

شال (= طاقه‌شال) ۲۹، ۸۱، ۱۹۱، ۶۴۶، ۶۵۳، ۶۴۸

شال امیری ۳۶۸، ۷۸۱، ۸۱۲، ۸۲۷، ۸۳۵، ۸۶۵

شالی (قیمت) ۴۶۴، ۵۵۷، ۵۱۵، ۵۵۴، ۵۶۲
شیکا = شاپکا (شاپو - کلاه فرنگی) ۴۱۹

ششکه ۵۱۲، ۵۴۴، ۶۷۳

شکر (قیمت) ۷۵۸، ۵۵۵

شلتوک (قیمت) ۴۴۵

شنیدل (نوعی توپ) ۳۵۳، ۶۵۲، ۶۱۶

شوپا = شوپاگر ۶۴، ۶۹، ۷۲، ۶۷۱

شوکا ۴۴۲

ص

صاقل (= ساقال) ۴۵۵ (ترکی، یعنی سلامت باشی، زنده باشی)

ط

طالار چوبی ۶۹ (ظاهراً با توجه به جمله یاک نوع وسیله‌ی دفاع از خود بوده است.)

ع

عندس (قیمت) ۷۵۸

عکس گروپ ۴۵۷

عماری ۴۶۷

خ

خاصه تراش ۸۷

خشکه، خشکه بار = (کشته بار) ۱۴۶، ۱۵۴، ۶۳۸، ۶۴۲، ۷۸۲، ۸۵۱، ۸۱۵، ۸۱۳

خشکه سرما ۳۵

خون بست، خونی ۶۳، ۷۳، ۷۹، ۱۰۹، ۱۱۵، ۱۹۱، ۲۵۳، ۲۱۳، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۹۹

۳۴۸، ۳۷۸، ۶۴۸، ۶۵۸، ۶۵۹

د

دست گرفته ۴۳۹ (با توجه به مفهوم جمله ظاهراً بستن مغازه معنی می‌دهد.)

دلاق (?) ۲۲۵

دوما ۵۳۶، ۵۳۷

ر

روزنامه‌ی برق ۳۹۶

روزنامه‌ی رعد ۶۹۸

روغن (قیمت) ۴۱۵، ۵۵۵، ۵۶۴، ۶۴۵، ۶۸۹، ۷۱۱

رولوسیون ۵۷۷، ۶۳۹، ۸۹۴

ز

زغال (قیمت) ۷۶۱، ۷۶۵

زین فرنگی ۷۵۳

س

ساخلو ۳۳، ۳۶، ۴۲، ۴۴، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۸

۷۲، ۷۴، ۷۹، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۳۵، ۱۳۴

۱۳۵، ۱۵۵، ۱۷۵، ۱۷۲، ۱۹۵، ۲۱۵

۲۱۹، ۲۲۶، ۲۵۵، ۲۵۲، ۲۵۵، ۲۵۷

۲۶۴، ۳۵۹، ۳۵۶، ۴۵۶، ۴۳۶، ۴۶۱

۵۵۷، ۵۲۷، ۵۳۵، ۵۵۱، ۵۸۵، ۵۹۵

۶۲۵، ۶۲۸، ۶۶۲، ۷۷۵، ۷۷۳، ۷۸۴

۸۵۲، ۸۲۳، ۸۴۲، ۸۵۷، ۹۱۵، ۹۱۳

سالداد = سالدات (دراغلب صفحات)

سفال ۵۴۲ (پوششی برای بامها در شمال

ایران، ساخته شده از گل و به شکل نصف

استوانه.)

ستارالیتوز (تجارتخانه) ۸۵۸، ۸۵۲، ۸۹۹

غ

غرناغ (؟) ۱۵۸

ق

قراخستگی (يك نوع بیماری) ۵۴۸
 قراسوران ۷۱۷، ۷۶۱، ۷۷۱، ۷۸۱، ۷۸۵،
 ۷۸۶، ۷۸۸، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۲۲، ۸۲۷،
 ۸۵۱، ۸۵۷

قند (قیمت) ۴۱۱، ۴۱۵، ۴۲۴، ۴۴۵، ۴۹۳،
 ۵۵۵، ۷۵۸، ۸۱۵

ك

کالی ۵۵۳، ۵۵۷ (صحیح آن گالی =
 (gali) است - خاشاک و خس که
 برای پوشش خانه‌های روستائی بکار می‌رود.)
 کرپی ۴۴۹ (ترکمنی، پل بزرگ آهنی بین
 دوشهر)

کردارمه (لغت فرانسه) ۶۵۴

کشته ۱۴۶، ۱۵۴، ۶۳۸، ۶۴۲، ۸۱۲
 کلرا، بیماری وبا ۵۴۸، ۵۵۵، ۵۵۲
 ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۹، ۵۶۵، ۶۵۶،
 ۶۵۵

کشمش (قیمت) ۷۵۸

کلش (kulash) ۶۸۱، ۲۵۷، ۲۵۵، ۲۵۴
 که به زبان عامیانه کولوش گفته میشود
 کاه برنج، خوراک اسب و قاطر.

که (kome) ۵۳۱، ۳۵۴

(خرگاه - خانه کوچکی که با چوب
 و شاخ و برگ درخت در بیابان درست
 می‌کنند - اغلب صیادان در چنین موضعی
 در کنار ساحل نگهداری می‌دهند.)

کنجد (قیمت) ۴۴۵

کندر ۱۵۱ (conduire = فرماندهی، اداره
 کردن عده‌ای، رهبری و هدایت)

کنطور ۴۱۱، ۱۸۴، ۱۵۳ (کانتور) =
 تجارتخانه)

کنیاز ۴۱۶، ۴۱۷، ۵۵۵، ۵۵۱، ۵۳۵، ۵۳۴،
 ۵۳۷، ۵۶۵

کوپیک (واحد پول روسی) ۴۸۹، ۱۷۱

س

کالش بان ۸۶۴

گالی = کالی

گاو (قیمت) ۷۷۶

گاو شیر حلقه (؟) ۷۵۸

گاوگالشی ۶۲۵ (می‌گویند ۵۵۵ راس گاو

کالشی را چپاول کردند، منظور

گاو خرمائی رنگ kulashi

(است) = کالشی یا کولشی

گاو گله بان ۷۶

گشته = کشته

گندم (قیمت) ۳۵۸، ۳۶۶، ۴۱۵، ۴۵۶،

۴۹۱، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۶۱، ۶۵۵، ۶۲۹،

۶۴۵، ۶۵۶، ۶۸۹، ۷۵۸، ۷۷۹، ۸۵۱،

۸۱۶

گوشت (قیمت) ۷۵۸

گیروانکه (= گریوان) ۲۶۲، ۴۱۱، ۴۱۵،

۴۴۵، ۶۹۱، ۸۶۵ (واحد وزن در شمال

ایران، معادل يك چارك)

ل

لوبیا (قیمت) ۷۵۸

لولهن = لولهنگ ۵۷

لیمونات = لیموناد ۳۹۲، ۴۷۵

م

ماتشکه (= ماتشکا - ماتشکه‌خانه) روسی

(عروسك وزن بدکاره معنی می‌دهد)

۳۳۲، ۳۹۲، ۵۲۱

مازو ۳۶۵

مترایوز (= مترایوز) نوعی اسلحه ۶۵۱،

۶۶۲، ۶۷۵، ۶۸۵، ۷۱۱، ۸۶۶

مجلس دوما ۵۳۶، ۵۳۷

محرقة (نوعی بیماری) ۲۱۵، ۳۱۶، ۳۷۱،

۵۴۸، ۶۵۵، ۶۶۳

محکمه‌ی حقوق ۴۵۵، ۴۵۷

مدایون = (مدالیون، مدایلون)

medaillon ۵۹۲

مرال کوهی ۳۳۵

مرغ (قیمت) ۷۵۸

و

وراندل (= ورنندل، نوعی تفنگ) ۴۰، ۶۹،
 ۹۶، ۹۸، ۱۰۶، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۳۵، ۱۳۷،
 ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۶۵، ۱۸۵، ۱۹۷، ۲۱۴،
 ۲۲۳، ۲۳۳، ۲۶۴، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۴۳،
 ۳۴۷، ۵۰۱، ۵۳۳، ۵۵۵، ۵۷۷، ۵۹۸،
 ۶۲۱، ۶۳۵، ۶۷۹، ۹۵۲
 ورس = (verste - ورست) مقیاس طول
 برای راههایی که قریب هزار متر باشد
 ۳۹۹، ۴۰۴، ۴۱۹، ۴۲۵، ۶۵۴
 وکسیل ۳۵، ۴۷
 وین اشتراک = وین اشتراک؟ (اداره شعبه تجارت
 روسیه) ۸۱۶، ۸۲۱، ۸۲۶، ۸۳۱، ۸۳۶،
 ۸۳۸، ۸۴۵، ۸۸۷، ۸۹۹

هیزم (قیمت) ۷۶۵۰

ی

یابو (قیمت) ۵۶۲
 یاشیک ۴۸۷ (روسی)، بشکهای ساخته شده از
 چوب به اندازه‌ی بشکهای ۲۵۰ لیتری
 فعلی)
 یورت (ترکی) ۲۹، ۳۹، ۱۱۲، ۵۹۱
 یورقه = (یورغه) ترکی ۱۵۶

مطبقه (نام مرضی است) ۲۱۵، ۵۴۸، ۶۹۲

مطرس ۹۲۵

مقره (مقره برای سیم) ۴۹۵

مکنز (نوعی تفنگ) ۵۷۷

موزر (نوعی تفنگ) ۳۲۹، ۳۳۴، ۴۶۶، ۴۷۷

۵۵۹، ۵۵۷، ۶۵۸، ۶۵۶، ۶۵۸

موزیکانچی ۸۳۷، ۸۵۲، ۵۴۷

میترا یوز = مترا یوز

میثمور (?) (ظاهراً نوعی قایق، بلم) ۴۵

ن

نان قیمت ۵۶۴

ناور، محل آب گیر ۴۵۴

نراد (= نرات) ۳۲۷، ۳۳۵، ۴۲۶، ۸۲۵
 (تخته روسی)

نرخ اجناس (مخصوصاً) ۸۵۲، ۸۵۳

نقط = نفت (قیمت) ۴۱۵، ۴۴۵، ۶۸۵، ۷۳۷

۷۴۳، ۷۵۸، ۷۸۱، ۸۱۵

نقط شمال ۸۱۵، ۸۸۸، ۸۹۲

نواقل ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۹، ۴۹۱، ۴۹۲

۵۴۸، ۶۱۳، ۶۱۹، ۶۲۵، ۶۶۴، ۶۷۷

۶۸۵، ۷۴۶، ۷۶۵ - ۷۶۴، ۷۹۱، ۸۵۸

۸۱۶

نوبه (تب نوبه) ۳۱۶، ۵۵۴

فهرست سوارها و فوجهای نظامی

شهمیرزادی (سوار) ۳۵۹	ابری (سوار) ۶۱۷
عبدالملکی = ترك عبدالملکی	اشرف (فوج) ۱۱۵، ۷۱
فندرسکی (سوار) ۳۵۹	افشار (سوار) ۲۶۶
فوجردی (سوار) ۱۸۳	افغانی (سوار) ۲۹۱، ۲۹۵، ۲۵۷
قراسوران (فوج قراول) ۶۵۹، ۶۴۷	امیری (سوار) ۱۹۷
کرد (سوار) ۲۲۹	بختیاری (سوار) ۲۷۹، ۱۱۴
کلبادی (سوار) ۲۲۹، ۱۷۷، ۱۶۲، ۴۱، ۳۹	بلوچ (سوار) ۴۴
کلوری = کلیلری (سوار) ۳۶	پارکابی (سوار) ۶۴۶
گوداری، گوداری (به غلط) (سوار) ۷۵	ترك (سوار) ۲۲۹
۹۴، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۲۵۱، ۲۸۵	ترك عبدالملکی (سوار) ۳۶۴، ۲۲۹، ۸۳، ۷۵
۶۱۷، ۵۹۳، ۵۶۱، ۵۴۵، ۲۹۸	ثلاثه (سوار - فوج) ۱۴۸
لاریجانی (سوار) ۱۱۵، ۱۵۵، ۸۶، ۷۵	تیموری (سوار) ۳۸
مازندرانی (سوار) ۲۷۳، ۲۵۶	حشمت اکبری (سوار) ۴۳، ۳۸
مقصودلوی (سوار) ۲۴۶، ۱۱۵، ۱۱۴	حشمت دامغانی (سوار) ۱۹۸، ۱۸۹، ۱۸۱، ۷۵
ناصری (سوار) ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۸۹، ۱۸۳	۳۴۸، ۲۱۶، ۲۵۱
۱۹۷	خوجهوند (سوار) ۵۸۵، ۸۷، ۸۳، ۷۵
نانکلی (= نانه کلی) (سوار) ۱۵۱	دودانگه (فوج) ۳۷۱
هزارجریبی (سوار) ۱۶۴، ۱۱۵	سمنانی (سوار) ۲۱۶، ۱۹۸، ۱۸۹
هندوستانی (سوار) ۳۲۶	سورتیجی (فوج) ۴۱۸
	شاهسوندی (سوار) ۳۵۵

درباره گزارش دهنده مخابرات استرآباد

دوست فاضل آقای عزیز ذبیحی اطلاعاتی را که از آقای نقی مقصودلو فرزند مؤلف کتاب به دست آورده‌اند با عکس او برای درج درین کتاب مرحمت کرده‌اند. با اظهار سپاسگزاری در پایان کتاب به چاپ می‌رسد زیرا موقعی به دست من رسید که چاپ کتاب پایان گرفته بود.

حسینقلی مقصودلو (مشهور بوکیل الدوله) فرزند محمدتقی و بانوئی از اهل تهران در سال ۱۲۵۶ شمسی متولد شده و در سال ۱۳۳۲ شمسی در ۷۶ سالگی در گرگان فوت نموده و در امامزاده عبدالله گرگان به خاک رفته است. پدر و پدر بزرگ نامبرده عنوان وکیل الدوله داشته‌اند، یعنی نماینده دولت انگلیس در گرگان بودند. دارای سواد قدیمه بوده و خواندن و نوشتن را در محضر روحانیون زمان خود آموخته است. از نظر اعتقادات مذهبی ارادتی خاص نسبت به خاندان نبوت و امامت داشت و مخصوصاً از عاشقان مولای متقیان حضرت علی علیه السلام بود. و بهمین منظور روزهای دوشنبه و چهارشنبه هر هفته در منزل خود روضه خوانی داشت و ده روز ماه محرم اطعام میکرد و تولیت تکیه سبز مشهد گرگان با ایشان بود. و در انجام کارها بیشتر با مجتهد زمان خود آقای سیدجمال عقیلی کرد کوئی مشورت میکرد.

از عواید دهاتی که داشت امرار معاش مینمود. روستاهای امیرآباد، نوده ملک، قلی‌آباد، جعفرآباد، حسین‌آباد، حاجی‌کلا به ایشان تعلق داشت و همچنین در اطراف شهر گرگان که امروز در دو ناحیه راه آهن و خط کمربندی و تا تردیکی پمپ بنزین غرب گرگان امتداد دارد متعلق بایشان بوده است که در زمان رضاشاه اراضی فوق‌مصادره و از دست ایشان خارج میشود و متعاقب شکایت وکیل الدوله به سمنان تبعید میشود (سال ۱۳۱۴ شمسی) و سه سال در سمنان تحت نظر بود و به حالت تبعید بسر میبرد. و به مناسبت مکاتبات زیادی که از سمنان با مجلس شورای ملی می‌کند مجدداً او را به شاهرود منتقل نمودند و مدت سه سال هم در شاهرود به حالت تبعید بسر میبرد تا سال ۱۳۲۵ و بطوریکه

وکیل الدوله اظهار میداشت تمام مدت تبعید مأمورین امنیتی منزل او را تحت نظر داشته و مراقب رفت و آمدها و حرکات او بودند. وکیل الدوله چهار برادر بهاسامی: نقی، حسن، محمود، احمد و یک خواهر داشت. برادر بزرگ او نقی را مسموم نمودند که معلوم نشد برای چه و قاتل هم پیدا نشد.

وکیل الدوله چهل تفنگدار داشت که همیشه در اختیار او بودند و آنها «کورمی» بودند (کورمی‌ها افرادی بودند که از طرف سیستان و بلوچستان آمده بودند و شاید هم پاکستانی بوده باشند).

وکیل الدوله چند بار مورد سوء قصد قرار گرفت، یک بار آن موقعی که از محله میخچه‌گران می‌گذشت مورد حمله و سوء قصد سیدی از اهل میخچه‌گران بنام «ستایش» قرار می‌گیرد و تیری به سوی او رها می‌شود ولی جان به سلامت می‌برد.

وکیل الدوله با ترکمانها رابطه خوبی داشت. حتی چندین بار که احشامش مورد سرقت و دستبرد قرار می‌گیرد شخصاً خودش اقدام و آنها را مجدداً بازپس می‌گیرد. توضیح اینکه پدر و اجداد وکیل الدوله به شهرت مقصودلو نامیده نمی‌شدند ولی پدرم بطوری که خودش اظهار میداشت در سال ۱۳۰۴ که صدور شناسنامه جدید در ایران مرسوم شد بمناسبت دوستی که با بعضی از مقصودلوهای سرخنگلاته داشت نام خانوادگی مقصودلو را برای خود انتخاب کرد. او با خانواده مقصودلوهای گران هیچگونه خویشاوندی ندارد و امروز از بازماندگان او تعدادی در گران زندگی میکنند.



حسينقلی مقصودلو مشهور به وکیل الدوله





سهم الممالك



امير مؤيد سواد كوهي



هزبر السلطان

شماره
قسمت
تاریخ
خلاصه موضوع



وزارت جنگ

لشکر جنوب

مورخه
ضمیمه

اداره
قسمت

نیل ۱۳۰

صک

پور خیر داد و دولت خاطر کرده و بیکم درگز ز کرم با قدر باک
نیز ساجت کرده هم انگ نوز - در دستا رود اشفا ر ضعیف هم کما
ایستام را از زود و سر کشید بجهیم در دافعا رسوم نوز در از خیر او کرده
قلمی تا بدینوی - در ایستاد در قدرت و کلماتی که در
اطراف این است در باب دره در کفار ما در کلمه ۵۵ در موضوع
رو با شرم و هم صورت دارد و با یک صورت غ مریع و قلم

مهر - پیر خیرانی ناز و ناز
شکر



اداره دفتر لشکر

مورخه ۶ شهر ۱۳۲۶
نمبر ۶۹

مجلس شورای ملی
کمیسیون نظام
شماره ۱۵۱۵

مجلس شورای ملی
وزارت جنگ و نیروی دریایی

نیت دارد عرض در ادست را بفعل سائنس رقمه در مجموع
که جناب صدیق میر صاحب مکر سلطان دام ظلهم سینه شکر
ایرید تمجید و نامور سلطان مختصر را در سینه کرم عهد سینه
قرارداده میر در ادست نیت صحت رسالت بر حلال
و نامور ایرات بر ذوق مقصود و در هر حال خوشتر است
همه نیت نیت سیم چون جناب سینه سینه
حالت چهره سینه نظر در سر دکنات و سینه سینه
نیت و نامور سینه سینه سینه سینه سینه
سینه سینه سینه سینه سینه سینه سینه

مجلس شورای ملی
کمیسیون نظام
شماره ۱۵۱۵
مجلس شورای ملی
کمیسیون نظام
شماره ۱۵۱۵
مجلس شورای ملی
کمیسیون نظام
شماره ۱۵۱۵

www.KetabFarsi.com

